

واکاوی دلایل تمرکز راهبرد آمریکا به سمت آسیا- پاسیفیک

حمیدرضا محمدی-دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

ابراهیم ضرغامی* - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران.

حوا ولی زاده-دانشجوی دکتری گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۲

چکیده

در سال‌های اخیر، تأثیرگذاری حوزه آسیا و پاسیفیک در معادلات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و جهانی و پیش‌بینی تغییر موازنه قدرت، باعث تغییر رویکرد آمریکا به سمت پاسیفیک و تمرکز استراتژی‌ها و راهبردهای این کشور در این حوزه شده است. پژوهش حاضر بر این فرض استوار است که جایگاه آسیا- پاسیفیک در آینده نظام جهانی، سبب تغییر راهبرد آمریکا به سمت این منطقه شده است. روش‌شناسی پژوهش مبتنی بر رویکرد استدلالی و روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی بوده و اطلاعات مورد نیاز از روش کتابخانه‌ای، گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که افزایش قدرت اقتصادی و نظامی چین، تضمین دسترسی آزاد به منافع مشترک، تأمین امنیت خطوط تجاری دریایی، مقابله با توسعه موشک‌های دور برد کره شمالی، تقویت اتحاد امنیتی آمریکا با کشورهای همسایه و توسعه لیبرالیسم در منطقه از مهم‌ترین دلایل تغییر راهبرد ایالات متحده آمریکا به سمت حوزه آسیا- پاسیفیک بوده است.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، راهبرد، آسیا- پاسیفیک، آمریکا، چین.

۱. مقدمه

ایالات متحده آمریکا به عنوان یک کشور دریایی بیش از دو قرن است که نیروهای دریایی خود را در سراسر جهان برای حفاظت از شهروندان آمریکایی و دفاع از منافع آمریکا گسترش داده است. سیاست خارجی آمریکا در طول جنگ سرد، اروپا محور بود و به دلیل اینکه استراتژی کلان آمریکا در این منطقه قابل تعریف بود، در مرکز ثقل سیاست خارجی این کشور قرار داشت. ایالات متحده با فروپاشی نظام دو قطبی، به تنها به ابرقدرتی تبدیل شد که از حال تدافعی دوران جنگ سرد خارج شده و با وقوع واقعه یازده سپتامبر ۲۰۰۱، کانون توجه آمریکا، متوجه خاورمیانه و تهدیدات تروریستی این منطقه شد که منجر به بروز دو جنگ افغانستان و عراق در این منطقه شد. در طی سال‌های اخیر، آمریکا با تغییر رویکرد سیاسی - دفاعی خود در جهان، تلاش می‌کند جایگاه خود را در شرق آسیا پررنگ کند و بر اساس همین سیاست اعلامی هم تلاش‌هایی انجام داد (khezri, 2013:343). تأثیرگذاری حوزه آسیا و پاسیفیک بر معادلات امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه وجود قدرت‌های نوظهور در منطقه، اهمیت آن را در معادلات امنیتی و خط‌مشی‌های راهبردی دیگر بازیگران و به‌خصوص آمریکا، بیش از پیش افزایش داده است. این سیاست تمرکز آمریکا بر شرق و غرب آسیا بیشتر از طریق اهرم‌های نظامی و اقتصادی صورت می‌گیرد. توسعه اقتصاد و کسب بازارها و خصوصاً منافع اقتصادی درازمدت، حرف اول را در سیاست آمریکا و رقبای آن در این منطقه دارد. مهار همه‌جانبه چین، از طریق اهرم‌های نظامی با توجه به تقویت حضور نظامی (شامل: افزایش مناسبات نظامی با کشورهای شرق آسیا و اقیانوس آرام، افزایش نیروهای نظامی در منطقه، انجام تمرین‌های مشترک با دیگر کشورها با حضور و اعزام بیشتر ناوها و تجهیزات نظامی) و سایر اهرم‌های سیاسی - اقتصادی از این جمله است. در ژانویه ۲۰۱۲ میلادی، رئیس‌جمهور وقت آمریکا (باراک اوباما) راهبرد جدید آمریکا را تحت عنوان بازبینی راهبرد دفاعی را اعلام کرد. این راهبرد جدید تا حد زیادی بر حضور هر چه بیشتر آمریکا در کشورهای جنوب شرق آسیا (حوزه پاسیفیک) متمرکز است. در دوره رئیس‌جمهور جدید آمریکا (ترامپ) نیز این راهبرد پیگیری می‌شود و شاهد تقویت مناسبات سیاسی و امنیتی و تقویت مناسبات اقتصادی و تجاری آمریکا با همپیمانان خود هستیم. آمریکا در این راهبرد

محدوده وسیعی را به عنوان منافع ملی و امنیت ملی خود و متحدانش تعریف کرده است که با منطق برتری جویی این کشور سازگاری دارد. تبیین دلایل و چرایی تغییر استراتژی آمریکا به سمت حوزه آسیا پاسیفیک، هدف اصلی این پژوهش است. از این رو پژوهش حاضر بر این فرض استوار است که جایگاه حوزه آسیا- پاسیفیک در آینده نظام جهانی و منافع آمریکا، سبب تغییر راهبرد این کشور به سمت پاسیفیک شده است. روش‌شناسی پژوهش مبتنی بر رویکرد استدلالی و روش تحقیق، توصیفی- تحلیلی بوده و اطلاعات مورد نیاز از روش کتابخانه‌ای، گردآوری شده است.

۲. روش تحقیق

این پژوهش از نوع تحقیقات، کاربردی است؛ که با استفاده از روش تحقیق «توصیفی - تحلیلی» انجام شده است. با توجه به ماهیت موضوع، روش گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و اینترنتی است. به این ترتیب که اطلاعات مورد نیاز کتاب‌ها و مقالات استخراج و طبقه‌بندی شده و سپس به شیوه کیفی، به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته شده است.

۳. چهارچوب نظری پژوهش

۳-۱. مفهوم راهبرد

راهبرد اصطلاحی است، کهن که برای طرح‌ریزی و اجرای جنگ که از واژه‌ی یونانی Strategos به معنای «هنر فرمانده»، گرفته شده است. در ابتدا راهبرد یکی از سه مؤلفه‌ی اصلی هنر یا علم اجرای جنگ محسوب می‌شد. دو مؤلفه‌ی دیگر هم عبارت بودند از تاکتیک و لجستیک (S. Gary, 2006:9). تحول مفهومی راهبرد در حوزه سیاسی و نظامی در گذر زمان از عملیات محوری به جنگ محوری، توسعه محوری در روش و هدف و نهایتاً به کنترل محوری از طریق هدایت جامعه قدرت سوق پیدا کرده است (Ahmadvand, 2003:8).

با بررسی تعاریف مختلف «راهبرد» از جنبه نظامی و غیرنظامی استنباط می‌گردد که راهبرد حداقل شامل دو جزء اساسی «هدف» و «مسیر دستیابی به هدف» است. هدف یا هدف‌ها که اولین جزء راهبرد است، به عنوان جهت دهنده تلقی گردیده و بیان‌کننده آن است که به کجا باید رفت و

مسیر دستیابی به هدف‌ها که به‌عنوان دومین جزء راهبرد است، بیان‌کننده آن است که چگونه و با چه شیوه و ابزاری به سمت هدف یا هدف‌ها باید حرکت کرد (Arth Lykk, 1987: 30). راهبرد از نظر مفهومی می‌تواند به‌عنوان یک چراغ راهنما برای تصمیم‌های اساسی و یا به دنبال تعیین موقعیت در محیط باشد. همچنین راهبرد، مجموعه‌ای از اقدام‌هاست که به شکل آگاهانه و به منظور رسیدن به هدفی خاص اتخاذ می‌گردد (Stacey, 2001:3). راهبرد، ناظر بر پیشبرد و حفظ منافع و بقای حال و آینده است و در مورد حقایق، فرضیه‌ها و احتمال‌ها صراحت دارد. هر تشکیلاتی، دارای یک استراتژی است که موازنه خاصی را در محیط برای آن ایجاد کرده است و هر استراتژی جدید، پس از کشف و انتخاب با به خطر افکندن وضعیت موجود، موازنه موقعیت و مرتبیت راهبرد را به هم می‌زند (Ariyager, 2006:52). هدف، روش و ابزار هر راهبرد باید از لحاظ کمی و کیفی، داخلی و خارجی با یکدیگر تناسب داشته باشد؛ از اینرو راهبرد توسط تعامل همگرایی هدف‌ها، روش‌ها و ابزار به‌تناسب، قابلیت پذیرش و قابلیت تحقق نائل می‌گردد (Arth Lykke, 1987:30).

۲-۳. منطقه گرایی

در پایان جنگ سرد و با گسترش جهانی شدن، منطقه گرایی نوین در دو دهه اخیر به یکی از اصلیت‌ترین موضوعهای رشته‌های اقتصاد بین‌الملل، روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بین‌المللی تبدیل شده است (kollai and sazmand, 2013: 140). نظریه‌های منطقه گرایی، بخش مهمی از دانش مطالعات منطقه‌ای است که به دنبال تبیین و فهم فرآیند منطقه‌ای شدن و منطقه گرایی در روابط بین‌الملل است. این نظریه‌ها، همزمان با آغاز روند همگرایی اروپا در دهه ۱۹۵۰ پردازش و ارائه شدند. از این زمان تاکنون نظریه‌های منطقه گرایی، فراز و فرود گوناگون و متوالی داشته و دستخوش تغییر و تحول‌های شکلی و ماهوی شده‌اند. این تحول‌های نظری ابعاد و وجوه مختلفی داشته است که مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظریه‌های جدید، منطقه گرایی را پدیده‌های چند بعدی میدانند که کلیه حوزه‌های اقتصادی، تجاری، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی را در بر می‌گیرد. با وجود تغییر و تحول در نظریه‌های منطقه گرایی و پردازش

نظریه های نوین، هنوز نظریه جامع و مانع و فراگیری که قادر به تبیین این فرآیند جهانشمول باشد ارائه نشده است. به طوری که نظریه های مختلف منطقه گرایی، ابعاد و وجوه خاصی از این پدیده چند وجهی و چند بعدی را مورد توجه، تأکید و تحلیل قرار می دهند، نظریه های کارکردی، اعم از کارکردگرایی و نوکارکردگرایی، بر وجه کارکردی منطقه گرایی و نقش بازیگران غیر دولتی تمرکز می کنند. نظریه های بین دولت گرا، اعم از واقع گرا و نولیبرال، وجوه سیاسی و نقش کارگزاران دولتی در فرآیند منطقه گرایی را تبیین می کنند. نظریه های بازاندیش و سازه انگار نیز جنبه های هنجاری و هویتی منطقه گرایی را برجسته می کنند (Dehghani, 2009:11). اصولاً شش دیدگاه در مورد شکل گیری منطقه ارائه شده است که عبارت اند از:

۱. دیدگاه ژئوپلیتیک نسبت به شکل گیری منطقه

زیر بنا در ژئوپلیتیک، پدیده های پایدار یا به نسبت پایدار جغرافیایی اند. موقعیت در این میان جایگاه کلیدی دارد. در واقع ژئوپلیتیک، را استراتژی جغرافیایی می نامند. کشیده شدن به سوی فضاها که بر سر حاکمیت بر آن، درگیری پنهان، نیمه پنهان و فعال وجود دارد، کششی ماهوی برای ژئوپلیتیک ایجاد می کند. فضاهایی که هرگونه دگرگونی یا احتمال برخورد و درگیری در آن ها، زمینه و بستر اغتشاش و منازعه و باز شدن میدان را در پی داشته است. بنابراین تمرکز ژئوپلیتیک بر درک فضاها، پیرامونی، لولایی و سپس درونی است (Karimipour, 2015: 8-9). بدین صورت، شکل گیری منطقه بر بنیاد ژئوپلیتیک، بر بسترهای جغرافیای انسانی و طبیعی استوار است که در این بین، محیط پیرامون به لحاظ مجاورت جغرافیایی در اولویت است. همچنین توانمندی اقتصادی در سطح بین الملل، کنترل تولید و صدور کالا، خدمات و سرمایه گذاری از اهمیت ویژه ای برخوردار است. مناطق ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک با مناطقی منطبق است که دارای منابع طبیعی و همچنین تولید ناخالص قابل توجه باشند (Dadandesh, 2007:75-96).

۲. دیدگاه ارتباطات کارل دوئیچ

کارل دویچ متغیرهای اساسی تشکیل دهنده منطقه را به صورت زیر تعریف کرده است: "واحدهای تشکیل دهنده منطقه که وی آن‌ها را واحد جغرافیایی یا سرزمین‌هایی می‌داند، که کشور نامیده می‌شوند." در این رویکرد، ماهیت مرزهای منطقه؛ فقط خطوط ترسیمی جغرافیدان بر روی نقشه نیست، بلکه آنچه در واقع یک مرز را ایجاد می‌کند، کاهش شدید در جریان مبادلات است. شدت و تراکم جریان مبادلات با افزایش فاصله کاهش خواهد یافت (Qasemi and Salehi, 2008:17).

۳. رهیافت سیستم تابعه

کانتوری واشپیکل، منطقه را به عنوان سیستم تابعه در سیاست بین‌الملل مطرح می‌کنند. اینان قبل از هر چیز منطقه را به عنوان سیستم تابعه در سیاست بین‌الملل مطرح می‌کنند و عرصه‌های سیاست بین‌الملل را به سه عرصه جهانی، منطقه‌ای و کشوری تقسیم می‌نمایند. بر این اساس منطقه، ناحیه‌ای از جهان است که واحدهای تشکیل دهنده آن، از لحاظ جغرافیایی در مجاورت با یکدیگر قرار گرفته و امور مربوط به سیاست خارجی آن‌ها به یکدیگر مرتبط است. بر این اساس با توجه به چهار متغیر، سطح و میزان انسجام، ماهیت ارتباطات، سطح قدرت و ساختار روابط، سیستم تابعه به سه بخش اساسی، مرکزی، پیرامونی و مداخله‌گر تقسیم می‌شود.

۴. رهیافت مرکز - پیرامونی به منطقه (دیدگاه والرشتاین)

والرشتاین ریشه سیستم را قرن ۱۶ میلادی دانسته و عنصر اصلی سامان یابی سیستم را در اصل تقسیم‌کار می‌داند. برداشت این رهیافت، نگرش مرکز - پیرامونی بر تقسیم‌کار جهانی است که در آن هرکدام از حوزه‌ها و گستره‌های سیستم بین‌الملل را بر اساس جایگاه خود در تقسیم جهانی تعریف شده و فرایندها و ساختارهای مختلفی را نیز در دوره خود جای داده است. ویژگی اساسی این سیستم جهانی، ترسیم کار بین نواحی مرکزی در حال ظهور و تولید کننده کلاهای صنعتی و نواحی پیرامونی تولید کننده مواد خام است و مرزهای سیستم با توجه به گستره و شدت تولید و مبادله اقتصادی تعریف می‌گردد (Qasemi and salehi, 2008:22).

۵. منطقه‌گرایی نوین در سیستم امنیتی

در حالی که بعضی موضوعات بدون شک کماکان در سطح جهانی اداره می‌شوند، اما کشورهایی برای اداره مناقشات، به‌طور فزاینده در حال روی آوردن به نظم‌های منطقه‌ای هستند. به‌جایی یک نظم نوین جهانی، امروزه شاهد نظم‌های نوین منطقه‌ای بسیار متنوعی هستیم. در حالی که بعضی از مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای مانند قبل ریشه در ساز کارهای موازنه قوا دارد، بعضی دیگر دست به کشف انواع و اشکال مختلف مدیریت دسته‌جمعی امنیت و حتی جوامع امنیتی تکثرگرا زده‌اند (Lake, David A and Morgan, 2002: 464). در این رویکرد، نقش‌آفرینی امنیتی در مقابل تهدیدات متصور، بستر شکل‌گیری منطقه را شکل می‌دهد.

۶. منطقه‌گرایی توسعه خواه

از این منظر منطقه‌گرایی از دیرباز با تجارت ارتباط داشته است. منظور از منطقه‌گرایی توسعه خواه، تلاش‌های هماهنگ گروهی از کشورها در یک منطقه جغرافیایی برای تقویت مکمل هم بودن اقتصادهای شان و افزایش ظرفیت اقتصاد کل منطقه و نیز یافتن توازن درست میان کارکرد و سرزمین است (Bjorn, Hettne and others, 2012:12).

۳-۳. بازبینی اهمیت حوزه پاسیفیک در استراتژی‌های نوین آمریکا

۱- باراک اوباما رئیس‌جمهوری آمریکا در ۵ ژانویه ۲۰۱۲، استراتژی جدید نظامی این کشور را تحت عنوان «بازبینی استراتژی دفاعی» اعلام کرد. این استراتژی تا حد زیادی بر حضور نظامی بیشتر آمریکا در آسیا متمرکز است. علت اصلی این تمرکز، وضعیت جدیدی است که از آن در استراتژی جدید به «تجدید موازنه قدرت» در آسیا یاد شده و باعث شده تغییر موازنه قدرت برای آمریکا و متحدان در منطقه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر باشد (Araqchi, and Sobhani, 2012:37).

۲- در گزارش چهار سالانه دفاعی آمریکا در سال ۲۰۱۴، نیز بر ایجاد توازن در منطقه آسیا-اقیانوسه تأکید شده است. در این گزارش، تأمین امنیت ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانان این کشور؛ داشتن اقتصاد قوی در یک سیستم بازار آزاد؛ احترام گذاشتن به ارزش‌های جهانی و نظم بین‌المللی از طریق تعاون و همکاری از جمله منافع اساسی ایالات متحده آمریکا است که استراتژی

امنیت ملی هم در راستای حمایت و پیش برد این منافع همسو و همگام است. اولویت‌های دفاعی آمریکا، شامل: ایجاد توازن دوباره در منطقه آسیا-اقیانوسیه به منظور حفظ صلح و ثبات در منطقه؛ حمایت از تعهدات قوی نسبت به تأمین امنیت و ثبات در اروپا و خاورمیانه، حمایت از دیدگاه جهانی در مقابله با تمهیدات تروریستی و گروه‌های افراطی با تأکید بر خاورمیانه و آفریقا؛ اولویت‌بندی در سرمایه‌گذاری‌های مهم در بخش‌های جدید و تقویت روابط و مشارکت‌های کلیدی و مهم است (GDR,2014:26-28).

۳- سند راهبرد امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۱۵ نیز بر این نکته صحه می‌گذارد که تغییر رویکرد آمریکا به سمت آسیا و اقیانوس آرام، سبب شده است مناسبات عمیق‌تری با طیف متنوع‌تری از متحدان و شرکا به وجود بیاید. در این سند آمده است که آمریکا قدرت برتر اقیانوس آرام بوده و همچنان قدرت برتر این منطقه باقی خواهد ماند. در پنج سال آینده انتظار می‌رود بیش از نیمی از رشد اقتصاد جهانی خارج از آمریکا در منطقه آسیا ایجاد شود. این بدان معنا است که وضع امنیتی منطقه از جمله اختلافات ارضی کشورهای منطقه درباره مالکیت بر آب‌های این منطقه و اقدامات تحریک‌آمیز کره شمالی می‌توانند منطقه را به سمت تنش و تقابل سوق دهند. رهبری آمریکا برای تعیین مسیر بلندمدت منطقه و تقویت ثبات و امنیت، تسهیل تجارت از طریق یک سیستم باز و شفاف و اطمینان از حفظ حقوق و آزادی‌های بین‌المللی ضروری است. برای درک این وضع، آمریکا روابط امنیتی خود را در آسیا، موقعیت دفاعی و حضور خود را در این منطقه متنوع می‌کند (USA,2015:24).

۴. جایگاه آسیا - پاسیفیک در معادلات ژئوپلیتیکی

حاشیه آسیا پاسیفیک سومین مرکز قدرت ژئوپلیتیکی حوزه دریایی است. این منطقه از کره جنوبی، ژاپن، تایوان، فیلیپین، سنگاپور، مالزی، تایلند، اندونزی، تیمور شرقی و پاپوا گینه نو تا استرالیا و نیوزلند امتداد دارد. بنابراین شامل حلقه‌ای از کشورهای جزیره‌ای آسیای دریایی و هم‌مرز با دریای چین شده و به جنوب غربی پاسیفیک و جزایر واقع در کنار این حلقه در انتهای شمالی و جنوب غربی آن می‌رسد. ویژگی غالب ژئوپلیتیکی آسیا - پاسیفیک، بعد دریایی آن

است. به دلیل برتری مسیرهای دریایی بر انتقال کالا از طریق مسیرهای زمینی، کشورهای جزیره‌ای و شبه‌جزیره‌ای آن از موقعیت خوبی برای حضور در تجارت بین‌المللی برخوردار هستند. مشکل استراتژیک این وابستگی به تجارت آن است که خطوط دریایی در مقابل موانع موجود آسیب‌پذیر هستند، زیرا بسیاری از عبور و مرور دریایی در منطقه و از آنجا به دیگر بخش‌های جهان و بالعکس باید از شماری تنگه‌ها و دریاها باریک بگذرد. در نتیجه کشورهای این حاشیه، وابستگی زیادی به قدرت دریایی و هوایی ایالات متحده آمریکا برای تأمین امنیت این خطوط کشتیرانی دارند (Cohen, 1999: 57). تأمین امنیت دریایی جنوب شرق آسیا که محل تلاقی دو مسیر از پر رفت‌وآمدترین خطوط دریایی دنیاست، بسیار حائز اهمیت است. مسیر شرق به غرب، اقیانوس هند را به اقیانوس آرام متصل می‌نماید و مسیر شمال به جنوب، استرالیا و نیوزلند را به آسیای شمال شرقی متصل می‌نماید. هر دو مسیر خطوط حیاتی اقتصادی و نظامی هستند. تقریباً کل حمل‌ونقل دریایی باید از طرق سه تنگه مهم واقع شده در آن منطقه صورت می‌گیرد. این سه تنگه عبارت‌اند از تنگه مالاکا، تنگه سوندا و تنگه‌های لومبرگ و ماکاسار. حدود ۴۰ درصد تجارت کشورهای ژاپن، استرالیا و کشورهای عضو آسه آن از طریق این تنگه‌ها صورت می‌گیرد (CIA, 2014). اهمیت منطقه هند، آسیا و اقیانوس آرام (در محدوده سواحل غربی آمریکا تا سواحل شرقی آفریقا با داشتن هشت کشور از ده کشور پرجمعیت جهان)، برای کشور آمریکا و همچنین هم‌پیمانان آن در حال افزایش است. امنیت و اقتصاد آمریکا با حجم زیادی از مبادلات که در اقیانوس هند و آرام جریان دارد، پیوندی ناگسستنی دارد. اهمیت اقتصادی، منافع امنیتی و جغرافیای این منطقه بزرگ دریایی، افزایش اتکا به نیروهای دریایی، جهت حفاظت از منافع آمریکا و حفظ تعهد دائمی برای ثبات منطقه را، دیکته می‌کند. بر اساس منافع راهبردی مشترک، آمریکا به دنبال تقویت همکاری مشترک با هم‌پیمانان در منطقه هند، آسیا و اقیانوس آرام (استرالیا، ژاپن، نیوزیلند، فیلیپین، جمهوری کره و تایلند) و ادامه ترویج روند شراکت با کشورهایی مانند بنگلادش، برونئی، هند، اندونزی، مالزی، جزایر میکرونزی، پاکستان، سنگاپور و ویتنام است (FORSE, 2015: 7 NAVY). (جدول ۱).

جدول (۱): نرخ تولید ناخالص ملی در کشورهای مهم آسیای شرقی

نام کشور	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷
ژاپن	۱,۴	۱,۵	۱,۴	۱,۰	۱,۰	۱,۵
چین	۷,۷	۷,۷	۷,۵	۷,۳	۶,۷	۶,۸
کره جنوبی	۲,۰	۲,۸	۳,۷	۳,۸	۲,۸	۳,۰
تایوان	۱,۵	۲,۱	۳,۱	۳,۹	۱,۵	۲,۰
اندونزی	۶,۳	۵,۸	۵,۴	۵,۸	۵,۰	۵,۲
مالزی	۵,۶	۴,۷	۵,۲	۵,۰	۴,۲	۵,۴
فیلیپین	۶,۸	۷,۲	۶,۵	۶,۵	۶,۹	۶,۶
سنگاپور	۱,۹	۴,۱	۳,۶	۳,۶	۲,۰	۲,۵
تایلند	۶,۵	۲,۹	۲,۵	۳,۸	۳,۲	۳,۷
ویتنام	۵,۲	۵,۴	۵,۶	۵,۷	۶,۲	۶,۳
آسیا	۵,۳	۵,۲	۵,۴	۵,۵	۵,۴	۵,۶

منبع: (IMF, 2017:64)

۵. یافته‌های تحقیق

با بررسی و تحلیل تحولات حوزه پاسیفیک، مهمترین دلایل تغییر رویکرد ایالات متحده آمریکا به سمت آسیا - پاسیفیک و تمرکز راهبردهای آینده این کشور در این حوزه را می‌توان به شرح زیر تشریح کرد:

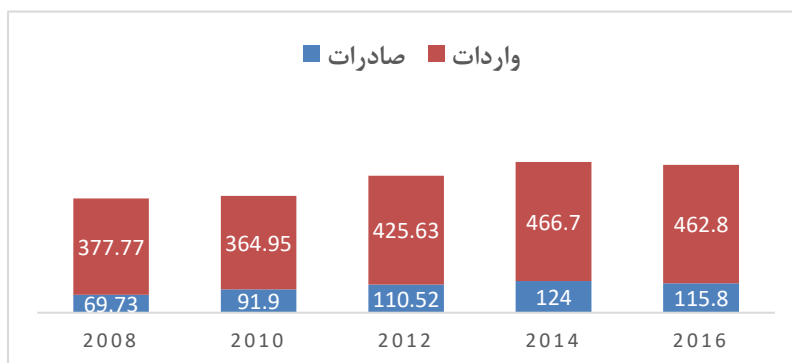
۵-۱. افزایش قدرت اقتصادی و نظامی چین

برای تشریح استراتژی آمریکا در قبال چین در منطقه بهتر است به جمله‌ای از میرشایمر از اندیشمندان نئورئالیست اشاره کرد. او معتقد است: "یک چین رشد یافته به‌طور اجتناب‌ناپذیر به دنبال کسب هژمونی منطقه‌ای است و منافع آمریکا در آسیا را تهدید می‌کند" (Mearsheimer, 2010: 2-4). چین و آمریکا به‌عنوان دو قدرت تأثیرگذار در منطقه رابطه دوسویه و دوگانه‌ای دارند. در بعد اقتصادی بعد از برقراری روابط دو کشور در دهه ۱۹۷۰ همکاری اقتصادی بین دو کشور ادامه یافته و روزبه‌روز وابستگی متقابل آن‌ها افزایش پیدا می‌کند. اما در بعد نظامی روابط دو کشور گاهی حالت شراکت و همکاری و گاهی حالت رقابت و دشمنی به

خود می‌گیرد که نوع رابطه این دو، تأثیر مستقیمی بر رویکردهای امنیتی کشورهای منطقه و ثبات آن بر جای می‌گذارد، هرچند از منظر تحلیل گران، وابستگی متقابل اقتصادی میان چین و آمریکا عامل بازدارندگی در افزایش تنش‌ها است (Cohen, 1999: 51).

همان‌طور که در استراتژی دفاعی آمریکا نیز آمده، توسعه‌ی توان نظامی چین، مهم‌ترین موضوعی است که آمریکایی‌ها از آن احساس نگرانی می‌کنند. از منظر هزینه‌های نظامی، نیز بودجه دفاعی چین بیش از دو برابر آمار ارائه شده به صورت رسمی است (khadem,2012:106). کانون این نگرانی گسترش توان نظامی چین در آسیا یعنی حوزه‌ای است که آمریکا قدرت نظامی برتر را دارد و گسترش توانمندی نظامی چین، می‌تواند معضلات جدی را در روابط دو کشور ایجاد کند. این امر باعث خواهد شد تا چین تبدیل به قدرت هژمون در آسیا شود و جایگاه آمریکا و متحدین آن مانند ژاپن و کره را تضعیف و موازنه قدرت را در جهان به نفع خویش تغییر دهد. این نگاه به آمریکا یادآوری می‌کند که چین به دنبال برتری در آسیاست و این برتری می‌تواند منافع آمریکا و متحدان آن را به خطر اندازد. بنابراین، آمریکا اگر می‌خواهد برتری خود را در آسیا- پاسیفیک حفظ کند، باید به دنبال جلوگیری از هژمون شدن چین در آسیا باشد. این نگرانی‌ها در حالی وجود دارد که در میان کشورهای آسیایی، آمریکا بیشترین حجم مبادلات را با چین دارد. بر اساس آمارهای موجود، حجم مبادلات چین و آمریکا، بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار بوده است. از این منظر می‌توان گفت که روابط اقتصادی آمریکا با چین، نفع متقابل را در برداشته است به گونه‌ای که بسیاری این روابط را از منظر وابستگی متقابل ارزیابی می‌کنند (Araqchi, and Sobhani, 2012: 37). (نمودار ۱).

نمودار (۱): میزان تجارت آمریکا با چین در سال‌ها ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ - میلیارد دلار



منبع: (www.statista.com)

در حالی که آمریکا با چین رقابت خواهد داشت اما تقابل با این کشور را رد می‌کند. همزمان که آمریکا از موضع قدرتمند رقابت را مدیریت می‌کند، خواهان آن است که چین قوانین و هنجارهای بین‌المللی را درباره مسائل مختلف از جمله امنیت دریایی و تجارت و حقوق انسانی رعایت کند. آمریکا از نزدیک روند مدرن سازی ارتش چین و افزایش حضور نظامی آن را در منطقه آسیا زیر نظر خواهد داشت. در حوزه امنیت سایبری یا فضای مجازی هم اقدامات ضروری را برای محافظت و مراقبت از فعالیت‌ها و دفاع از شبکه‌های رایانه‌ای در برابر سرقت‌های رایانه‌ای چه از سوی بازیگران خصوصی در فضای مجازی چه از سوی حکومت چین در پیش خواهد کرد (USA, 2015). حضور مداوم نظامی ایالات متحده در ژاپن و اعزام چرخشی یگان‌های دریایی، تفنگدار دریایی و یا هوایی به غرب اقیانوس آرام برای اطمینان به کشورهای همسایه و ترغیب به حل مسالمت‌آمیز اختلافات چین و برخی از همسایگانش، ممکن است مهم باشد. این اختلافات که گاهی تا حد درگیری نظامی نیز پیش می‌رود، ناشی از اختلافات بر سر مالکیت قطعی جزایر جنوب و شرق دریای چین، وسعت منطقه‌ی انحصاری - اقتصادی هر کشور و در نتیجه کنترل منابع بستر دریا، مخصوصاً ذخایر گاز و نفت است. همچنین می‌توان شرایطی را تصور کرد که منجر به اشغال نظامی تایوان، توسط چین شود، که در این صورت احتمال دخالت

نظامی آمریکا افزایش می‌یابد. برخی از ناظران از افزایش ملی‌گرایی و جسارت چینی‌ها در بلندمدت، همراه با رشد توانمندی‌های نظامی آن‌ها، ابراز نگرانی کرده‌اند. نگرانی از این بابت است که در نهایت چین تلاش خواهد کرد تا نیروهای ایالات متحده را از منطقه بیرون کند و به لحاظ سیاسی و اقتصادی به آسیای شرقی تسلط یابد (Peterson, 2012: 20-21). رشد عمده دیگر کشورهای منطقه، نیز اهمیت استراتژیک این حوزه را برای آمریکا به شدت افزایش داده است. در دوره ریاست‌جمهور بوش به دلیل درگیری گسترده آمریکا در خاورمیانه، این منطقه (شرق آسیا) بالاجبار، اولویت اول دستور کار بین‌المللی ایالات متحده قرار نمی‌گرفت، اما عواملی چون نگاه به چین به عنوان یک رقیب استراتژیک، تداوم و تقویت بیشتر ائتلاف با ژاپن و قائل شدن به ایفای نقش بیشتر این کشور در منطقه برای مهار چین، پیشبرد منافع اقتصادی آمریکا در آسیای شرقی و کنترل خطوط دریایی باعث تغییر جهت نگاه سیاست خارجی آمریکا در قبال شرق آسیا شد (Blumenthal, 2010).

بر این اساس شاید بتوان سیاست آمریکا در قبال چین را به‌طور کلی شامل موارد زیر دانست:

- جلوگیری از سلطه یک قدرت یا ائتلافی از قدرتهای متخاصم در آسیا؛
- حفظ تشکیلات نظامی برتر و پیروی از یک سیاست خارجی سازگار با منافع ملی کشورهای منطقه که اهدافشان با آمریکا همسویی دارد؛
- گسترش همکاری با چین برای جلوگیری از تحقق اهداف نوسازی نظامی این کشور؛
- ادامه حمایت از دوستان و متحدان آمریکا در منطقه و حفظ امنیت آن‌ها؛
- ارتقای روابط با هم‌پیمانان به‌ویژه ژاپن که در راستای توازن قوای منطقه صورت می‌پذیرد (khezri, 2013: 681).

از این رو در راستای پشتیبانی از توازن وسیع‌تر در منطقه، ایالات متحده جای پای خود را در شمال شرقی آسیا محکم‌تر خواهد کرد و درعین حال حضور خود را در اقیانوسیه، جنوب شرقی آسیا و اقیانوس هند بیشتر خواهد کرد. این موضوع به گونه‌ای است که تا سال ۲۰۲۰، ۶۰ درصد دارایی‌های نیروی دریایی آمریکا در اقیانوس آرام مستقر خواهد شد (GDR, 2014: 56).

۲-۵. مقابله با توسعه موشک‌های دوربرد کره شمالی

ریشه‌های ژئوپلیتیکی بحران در کره شمالی، عمدتاً به الگوهای رفتاری بازیگران ژئواستراتژیک در حوزه آسیا پاسیفیک که شبه‌جزیره کره را نیز شامل می‌شود، برمی‌گردد، هرچند نوع نظام سیاسی حاکم بر این کشور، فقدان مشروعیت آن، فقر اقتصادی، ایدئولوژی حاکم و همچنین نبود منابع طبیعی، از عوامل تشدیدکننده این بحران است. در سال‌های اخیر کره شمالی در دوران کنونی درحالی‌به‌توسعه موشک‌های دوربرد اقدام کرده است که ایالت متحده آمریکا خود را متعهد میداند که در شبه‌جزیره کره، ثبات را برقرار سازد (USA DOD, 2014: 15).

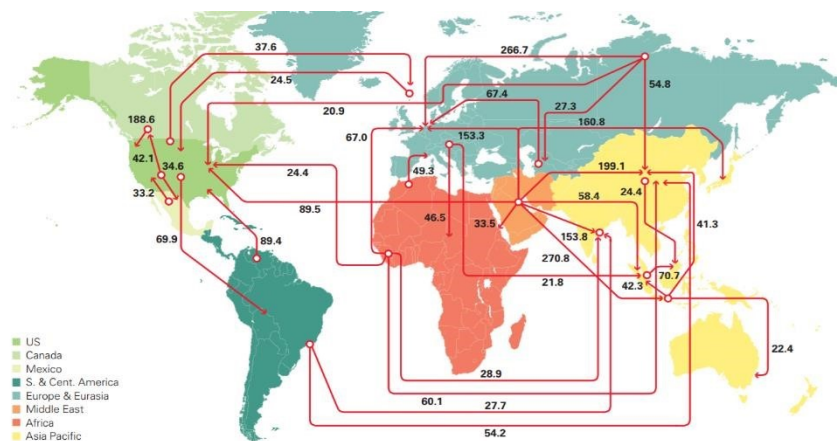
ایالات متحده آمریکا به چالش‌های ایجادشده از سوی کره شمالی، از طریق همکاری نزدیک با متحدینش در کره جنوبی و ژاپن، در به‌کارگیری نیرو و توانایی هسته‌ای برای بازدارندگی‌های بیشتر پاسخ گفته است. آمریکا به دنبال راه‌حلی برای تشویق کره جنوبی و ژاپن برای همکاری نزدیک‌تر است، اما به دلیل روابط تاریک میان توکیو و سئول با محدودیت‌های مواجه شده است. واشنگتن حتی سعی کرده است برای خنثی‌سازی برنامه هسته‌ای کره شمالی از چین نیز کمک بگیرد. چین، آمریکا و کره جنوبی در ایجاد تغییرات مثبت در کره شمالی از منافع مشترکی برخوردارند، اما چین به‌شدت در انجام این کار بی‌میل است، زیرا این کار ممکن است وضعیت سیاسی و اقتصادی کره شمالی را که مدت‌زمان زیادی متحده چین بوده است، را بی‌ثبات کند. ایالات متحده همچنان برای مهار و منزوی کردن کره شمالی به همکاری خود با متحدین و هم‌پیمانان منطقه‌ای ادامه خواهد داد، علاوه بر این آمریکا، قدرت دفاع موشکی خود را در سطح ملی و منطقه‌ای افزایش می‌دهد (Dobbins, 2016: 131).

به نظر می‌رسد که روند دیپلماسی بین آمریکا و کره شمالی در دوره ترامپ (رئیس‌جمهور آمریکا) وارد مرحله تازه‌ای شده است. ارایه تضمین امنیتی محکم آمریکا و متحدان درباره دوام حکومت و عدم تغییر رژیم، لغو تحریم‌های بین‌المللی و عادی‌سازی روابط پیونگ یانگ با کشورهای جهان و ارایه کمک‌های اقتصادی از سوی آمریکا و متحدان و نهادهای مالی بین‌المللی به منظور بازسازی بنیان اقتصادی کره شمالی، مهم‌ترین خواسته‌های دولت کره شمالی از آمریکا برای مذاکره خواهد بود و در مقابل آمریکا انتظار دارد، کره شمالی، سلاح‌های هسته

ای را تحویل دهد و موشک‌های بالستیک دوربرد را امحا کرده و برد موشک‌های را کوتاه نگه دارد. خلع سلاح هسته‌ای کره شمالی در قبال ارایه تضمین امنیتی مبنی بر پذیرش مشروعیت حکومت کمونیستی کره شمالی از سوی آمریکا و جامعه جهانی دو مساله اصلی مورد تبادل در دیپلماسی جدید واشنگتن - پیونگ یانگ خواهد بود. به نظر می رسد در آینده شاهد عقب نشینی بیشتر کره شمالی و همسویی بیشتر با آمریکا خواهیم بود.

۳-۵. تضمین دسترسی آزاد به خطوط مواصلاتی دریایی

بالغ بر ۹۰ درصد از تجارت جهانی حمل و نقل از طریق حمل و نقل دریایی انجام می‌گیرد. بدون وجود حمل و نقل دریایی، واردات و صادرات کالا که پایه تجارتي مدرن جهانی است، امکان‌پذیر نیست. حدود ۵۰۰۰۰ کشتی تجاری به صورت بین‌الملل در دنیا فعالیت می‌کنند که همه نوع کالا را حمل و نقل می‌کنند (Safarzadeh and others, 2009: 99). اقیانوس‌ها شاه‌رگ‌های حیاتی ارتباط بین جامعه جهانی هستند؛ یعنی جایی که انتظار می‌رود تجارت دریایی در ۱۵ سال آینده در آن دو برابر بشود. نیروی دریایی آمریکا بر این باور است که باید از آزادی جریان تجاری که امکان رشد نابرابر اقتصاد جهانی در ۷۰ سال گذشته را به وجود آورده، پشتیبانی کند. از نظر حجم، نود درصد از مبادلات کالا از اقیانوس‌ها عبور کرده است. حدود ۷۰ درصد از جمعیت جهان در سواحل (فاصله ۱۰۰ مایلی خطوط ساحلی) زندگی می‌کنند. همچنین اکثر فعالیت‌های دریایی مانند کشتیرانی، شیلات و استخراج نفت و گاز در ۲۰۰ مایلی ساحل اتفاق می‌افتد. (USA Navy force, 2015:7). (نقشه ۱)



نقشه (۱): گردش تجاری جهان در سال ۲۰۱۶ (میلیون تن)

منبع: (Review of World Energy-2017)

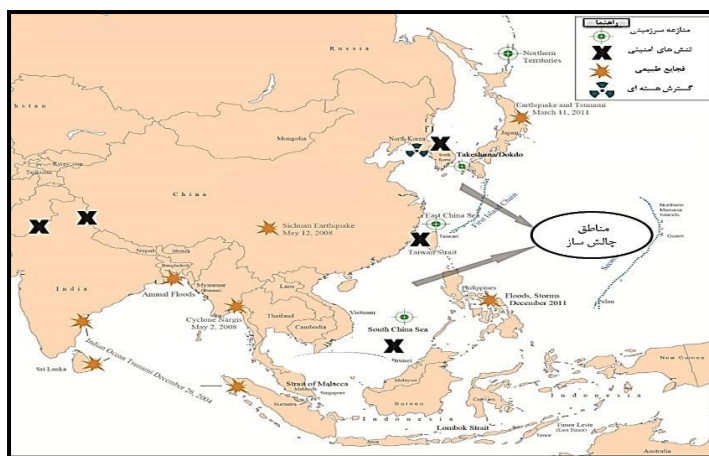
از آنجایی که منافع آمریکا همواره از طریق نقل و انتقال منابع انرژی از طریق دریا تأمین می‌گردد، این کشور همواره برای حفظ آزادی دریاهای تلاش کرده است (Peterson, 2012: 20). مناطق مربوط به اغلب متحدان و شرکای ایالات متحده و شاهراه‌های دریایی کلیدی از قبیل خلیج عدن و تنگه ی لوزن، مناطقی هستند که در دهه ی آینده امکان تجربه ی درگیری و تعارضات در آنها بیشتر محتمل است. درخواست از شناورهای رزم سطحی ایالات متحده برای دفاع از کشتی‌ها در برابر اقدامات جنایت‌کارانه و تروریستی و آموزش کشورهای منطقه برای محافظت از خاک، شهروندان، منابع و زیرساخت‌های خود، احتمالاً افزایش خواهد یافت (Clark, 2014: 7).

۵-۴. تقویت اتحاد امنیتی آمریکا با نیروهای همسو

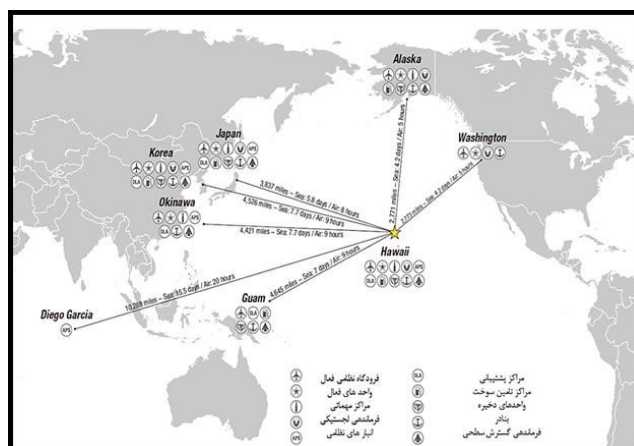
ایالات متحده در حال عمیق کردن روابط دفاعی خود با شرکای منطقه پاسیفیک، مثل استرالیا، ژاپن، سنگاپور، مالزی، تایلند، فیلیپین ویتنام است. این مراودات، واسطه‌ی پیمان‌ها و نیز مشارکت در تقویت ظرفیت شرکای خود برای نظارت بر چالش‌های منطقه‌ای در حال رشد در حوزه‌هایی

۱۸۹ پاسیفیک- آسیا- راهبرد آمریکا به سمت آسیا- پاسیفیک.....

مثل دفاعی موشکی، امنیت سایبری، فضا، امنیت دریایی، و جلوگیری از حوادث و سوانح، تمرکز دارد. همچنین وزارت دفاع آمریکا در حال ایجاد مذاکرات با ارتش آزادی خواه خلق چین است که این مذاکرات در راستای بهبود توانمندی های آمریکا در ایجاد همکاری متقابل است (GDR,2014:56). (نقشه های ۳ و ۲).



نقشه (۲): دورنمای چالش های امنیتی در شرق و جنوب شرق آسیا
منبع: (CSIS,2012:12)



نقشه (۳): نیروهای پشتیبانی کننده آمریکایی در پاسیفیک
منبع: (Boulevard,2013:24)

۵-۵. توسعه لیبرالیسم آمریکایی در منطقه پاسیفیک

منطق دیگری که سیاست خارجی آمریکا را شکل داده و قابل تعمیم به رفتار آمریکا در قبال چین است، لیبرالیسم است. منطق لیبرالیسم از لیبرالیسم کلاسیک گرفته شده که یک جریان مدرن در اندیشه سیاسی و اقتصادی غرب است. کانون اصلی لیبرالیسم، تعهد به آزادی سیاسی و اقتصادی است (Don, 2004: 370). منطق لیبرالیسم به آمریکا توصیه می‌کند که ایالات متحده در پی گسترش آزادی باشد؛ زیرا اگر تجارت آزاد باشد، ملت‌ها را دولت‌های دموکراتیک اداره می‌کنند، حقوق بشر محترم شمرده می‌شود و ملت‌ها به رفاه، صلح و تعاون ناشی از آزادی دست می‌یابند و به مرحله تعیین سرنوشت می‌رسند و در این صورت آمریکا و کل جهان، در وضعیت بهتری قرار خواهند گرفت (Callahan, 2008: 139). آمریکا آموزه‌های اصلی این منطق یعنی تجارت آزاد یا اقتصاد مبتنی بر بازار، گسترش دموکراسی در جهان، حمایت از حقوق بشر و دستیابی ملت‌ها به حق تعیین سرنوشت را به ابزارهای سیاست خارجی خود پس از جنگ جهانی دوم تبدیل و به تعقیب سیاست‌های خود در جهان پرداخته است. مرور سیاست‌های آمریکا در جهان نشان می‌دهد که لیبرال دموکراسی در سیاست‌های آن کشور، ابزاری بیش نبوده و آموزه‌های لیبرال دموکراسی در کشورهایی پیگیری شده است که مطابق با منافع آمریکا عمل نکرده‌اند (Araqchi, and Sobhani, 2012: 43). از این نظر، اکثر کارشناسان امور بین‌المللی معتقدند آنچه کشورها در صحنه بین‌المللی انجام می‌دهند در جهت تحصیل، حفظ و ازدیاد "منافع ملی" است (Darvishi, Farhad and Fardi Tazkand, 2008: 102-136).

۵-۶. منافع مجتمع‌های صنعتی نظامی آمریکا

سهم تقریباً ۲۰ درصدی پنتاگون از بودجه سالیانه فدرال آمریکا باعث شده تا مجتمع نظامی صنعتی که در بطن آن پنتاگون قرار دارد، به یک امپراتوری قائم‌به‌ذات تبدیل شود و ساختار تصمیم‌گیری این دستگاه نظامی «مثلث فولادین» بخوانند. مثلی که یک ضلع آن را کارگزاران غیرنظامی رسمی (ریاست جمهوری، شورای امنیت ملی، کمیته‌های نیروهای مسلح هر دو مجلس

و کارگزاران اطلاعاتی)، ضلع دوم را نهادهای نظامی و ضلع سوم را ۸۵ هزار شرکت خصوصی تشکیل می‌دهند. ۳۵۰ دانشکده و دانشگاه در ایالات متحده ۶۰ درصد بودجه پژوهش‌های پای‌های خود را از وزارت دفاع تأمین می‌کنند و وزارت دفاع آمریکا در تأمین نیازمندی‌های مالی پژوهش‌های دانشگاهی، در آمریکا مقام سوم را دارد (Hossein zadeh, 2010: 24). اقتصاد نظامی در آمریکا در حال حاضر سه برابر بزرگ‌تر از دیگر بخش‌ها است. این وضعیت باعث ایجاد این تلقی در ایالات متحده شده که مجتمع صنعتی نظامی، محرک اقتصاد آمریکا است. امپراتوری نظامی حاصل از این وضع، آثار و نتایج بسیار مهمی نه تنها در سیاست داخلی، اقتصادی و سنت‌های جمهوری خواهی آمریکا بلکه در زندگی بسیاری از مردم در سراسر جهان به بار آورده است (Hossein zadeh, 2010: 60). مجتمع‌های نظامی - صنعتی آمریکا در جعل و اختراع تهدیدات خارجی نسبت به منافع ملی آمریکا یا تهدید منافع متحدان آمریکا که به‌طور غالب برای توجیه وجود دستگاه عریض و طویل ارتش و اختصاص بخش اعظم منابع ملی به این دستگاه صورت می‌گیرد، مبتکرانه عمل کرده است. در خلال جنگ سرد (تهدید کمونیسم) و پس‌از آن دولت‌های «خودسر»، «تروریسم جهانی»، «محور شرارت»، «اسلام مبارز»، «دشمنان دموکراسی» و اکنون نیز «تهدید چین» اختراعاتی بوده‌اند که برای افزایش بودجه هنگفت پنتاگون خلق شده‌اند.

۶. نتیجه‌گیری

حوزه آسیا - پاسیفیک با برخورداری از نقش مهم و رو به رشد در معادلات و رقابت‌های جهانی به یکی از مهم‌ترین مراکز ثقل ژئوپلیتیک جهان تبدیل شده است. سیاست جدید ایالات متحده که در استراتژی‌ها و راهبردهای دفاعی امنیتی آن به‌وضوح بیان شده است، مبنی بر نفوذ هر چه بیشتر در منطقه شرق آسیا و تلاش آن در خصوص انتقال نیروهای دریایی و هوایی خود به این منطقه در سال‌های اخیر است. این منطقه بر مبنای ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی آن، محل تلاقی سیاست قدرت‌های بزرگی چون ایالات متحده آمریکا و چین شده است. روابط و همکاری‌های اقتصادی و سیاسی دو کشور چین و آمریکا در زمینه‌های مختلفی از جمله در زمینه‌ی مسائل امنیتی منطقه‌ای و جهانی، موضوع تبت و تایوان، مسئله نفت و انرژی، همکاری‌های فضائی،

تروریسم، حقوق بشر و کسری و نبود تراز تجاری بین دو کشور و اخیراً هم ساخت جزایر مصنوعی توسط چین در دریای چین جنوبی، دارای چالش بوده و تاکنون به دلیل وابستگی اقتصادی ایجاد شده تنش‌های ایجاد شده به نوعی برطرف گردیده است، به عبارتی وابستگی اقتصادی متقابل موجب شده اختلافات سیاسی و امنیتی کاهش و یا کمرنگ گردند. بنابراین راهبرد بازگشت به آسیا و پاسیفیک، از یک منظر به دلیل رشد اقتصادی و نظامی چین مطرح شده و از منظری کلان‌سیاستی چندبعدی است که از ملاحظات اقتصادی، سیاسی و راهبردی آمریکا در منطقه نشأت می‌گیرد. این راهبرد همچنین در راستای اطمینان بخشی به دوستان و متحدان آمریکا در منطقه است که نگران رشد چین است. یکی دیگر از دلایل تمرکز آمریکا در آسیا متمرکز شدن ۵۰ درصد تولید ثروت در این منطقه است. همزمان با جابجایی مرکز ثقل تولید ثروت از حوزه اقیانوس اطلس که سواحل شرقی آمریکا را با اروپا پیوند می‌دهد به شرق آسیا، به تدریج از اهمیت حوزه اقیانوس اطلس کاسته می‌شود و حوزه اقیانوس آرام جای آن را می‌گیرد. دلیل دیگری که برای تمرکز استراتژی ایالات متحده در آسیا مورد آزمون قرار گرفت، انطباق این استراتژی با منطق سیاست خارجی آمریکا و منافع مجتمع نظامی صنعتی این کشور است. دو منطق واقع‌گرایی و لیبرالیسم، اساس سیاست خارجی آمریکا پس از جنگ سرد را تشکیل داده که هر دو در خدمت رویکرد برتری‌جویی آمریکا در جهان بوده‌اند.

هدف اصلی آمریکا برای ایجاد توازن و تعادل در آسیای شرقی و جنوب شرقی، تقویت و تجدید روابط امنیتی، اقتصادی و دیپلماتیک با هم‌پیمانان خود برای خنثی‌سازی قدرت روبه‌افزایش چین است. با این حال، افزایش روزافزون قدرت اقتصادی، نظامی و سایبری چین و همچنین ادعاهای چین در مورد مطالبات ارضی که روی هم‌سایگان خود به‌ویژه متحدین آمریکا در منطقه دارد، ایالات متحده آمریکا را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. در بسیاری از حوزه‌ها، ایالات متحده با گزینه‌ای مختلفی روبه‌روست. گزینه‌هایی که با تأثیر چین مقابله کند، آن را مهار سازد، بر سر منافع مشترک با چین همکاری کند یا آن را به‌گونه‌ای اصلاح کند که خسارت‌های وارده به منافعش را به حداقل برساند. چین نیز به‌نوبه خود تلاش می‌کند تا تأثیر جهانی و منطقه‌ای متناسب با قدرتش را داشته باشد و به دنبال این نیست که نظم بین‌المللی را که خود از آن بهره

_____ واکاوی دلایل تمرکز راهبرد آمریکا به سمت آسیا- پاسیفیک.....۱۹۳

می‌برد، از بین ببرد؛ بلکه می‌خواهد به گونه‌ای که منعکس‌کننده قدرتش باشد، جایگاه خود را به‌عنوان یک هژمون منطقه‌ای تثبیت کند.

۷. قدرتدانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهش و گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی و نیز دست اندرکاران مجله ژئوپلیتیک به خاطر فراهم آوردن شرایط پژوهش حاضر و نیز چاپ آن قدرتدانی نمایند.

Reference

- 1.Ahmadvand, Ali Mohammad and others. (2013). the Pattern of Strategy Selection in Defense of the Islamic Revolution, Quarterly Journal of Defense Strategy, Year 11, No 43.[In Persian]
- 2.Araqchi, Abbas and Sobhani, Mehdi. (2012). Cold Conflict in Asia; the Consequences of a New American Military Approach in Asia Pacific, Foreign Relations Quarterly, Fourth Edition, No. 4 [In Persian].
- 3.Ariyager, Harry. (2006). Strategic Theory of the 21st Century, Publisher's Translation, Tehran, IRGC Strategic Center [In Persian].
- 4.Arth Lykke, J. (1989). Toward an Understanding of Military Strategy, chap. In: Military Strategy: Theory and Application, Carlisle Barracks, PA, U.S. Army War College.
- 5..Asia Pacific Group. (2013). Geopolitical roots of the crisis in North Korea, International Relations Studies Institute Research Center, <http://riirpolitics.com>[In Persian].
- 6.Berteau, Michael J. Green, David J. (2014). U.S. Force Posture Strategy in the Asia Paci Region: An Independent Assessment, publisher by Center for Strategic and International Studies (CSIS).

7. Bjorn, Hettne and others. (2012). Comparison of regionalism, translation by Alireza Tayeb, Ministry of Foreign Affairs publication.
8. Boulevard, Wilson. (2013). The U.S. Army in the Pacific: Assuring Security and Stability, Institute of Land Warfare Association of the United States Army, www.ausa.org.
9. Blumenthal, Daniel. (2010). The China-U.S.A Security rivalry, American Enterprise, http.blog.americn.com.
10. BP(2014) Statistical Review of World Energy June bp.com/statistical review.
11. Callahan, Patrick. (2008). American Foreign Policy Logic: Theories of the Global Role of America, Translated by: Davood Gh. Zandi, Mahmoud Yazdan FAM and Naderpour Akhundi, Tehran, Strategic Studies Research Center **[In Persian]**.
12. Cohen, Saul Bernard. (1999). Geopolitics of the Universal System, translation by Abbas Kardan, [In Persian], First Edition, Tehran, Contemporary Abrar publication.
13. Clark Bryan.(2014)Commanding the seas, CSBA (The Center for Strategic and Budgetary Assessments, www.csbaonline.org.
14. CRS) Congressional Research Service). (2012). Pivot to the Pacific? The Obama Administration's "Rebalancing" Toward Asia, www.crs.gov.
15. Congressional Research Service. (2015). China-U.S. Trade Issues, www.crs.gov.
16. Darvishi, Farhad and Fardi Tazkand, Mohammad (2008), National Interest Concept in Islamic Republic of Iran's Foreign Policy, Geopolitics Quarterly, Vol 4 No 3 **[In Persian]**.
17. Dadandesh, Parvin (2007), Geopolitical Discourse in Central Asia: Interaction Area Between Iran & Russia, Geopolitics Quarterly, Vol 3, No 1 **[In Persian]**.
18. Dehghani Firoozabadi, jalal. (2009). The evolution of regionalization theories, Central Eurasia Studies, Faculty of Law and Political Science, Second Year, No5. **[In Persian]**.
19. Don, Team (2004), Liberalism, In Globalization of Politics: International Relations in the New Age , Translated by Abolghasem Road, Chamani and others , Tehran, Abrar Contemporary publication **[In Persian]**.
20. Dobbins, James. (2016). US Strategic Options in the Chaotic World, Translated by Seyyed Abdul Majid Zawari, Ehsan Alaeipour and Fereshteh Kandi Dani, Think tank International Relations Publications, Tehran, First Edition **[In Persian]**.
21. Hossein zadeh, Hossein. (2010). Political Economy of American Militarism, translation of Parviz Omidvar, Tehran, publication of Ney **[In Persian]**.
22. Karimipour, yadollah. (2015). Geography; first in the service of peace (Attitude toward relations between Iran and its neighbors), Tehran, First edition, Selection publication, **[In Persian]**.
23. Khadem, fazaleh. (2012). Geopolitics of emerging powers and the prospect of 2050), Geopolitics Quarterly, Vol 8, No 2 **[In Persian]**.

24. Khezri, roya. (2013). US and China Strategy in the Asia-Pacific Region (Collaboration and Conflict), Foreign Policy Quarterly, 12th and 5th, No. 3 **[In Persian]**.
25. IMF) International Monetary Fund) (2017), World economic outlook, uneven Growth-Short- and Long-Term Factors. Washington, www.elibrary.imf.org.
26. Iranian-American Institute of Eurasia. (2016), the policy of rotation to East Asia and its impact on the Middle East, at <http://eurica.ir> **[In Persian]**.
27. IMF) International Monetary Fund(2015)Regional Economic Outlook, Asia and Pacify Sustaining the Momentum: Vigilance and Reforms, www.imf.org.
28. Kollai ellahe and sazmand, bahaerh.(2013).lobalization and New Regionalism in East Asia, Geopolitics Quarterly, Vol 10 No 3 **[In Persian]**.
29. Lake, David A and Morgan, Patrick M. (2002). Regional Order; Security in the New World; Translated by Seyyed Jalal Dehghani Firoozabadi, First Edition, Tehran, Research Institute for Strategic Studies **[In Persian]**.
30. Peterson, Peter.G. (2012). New US Defense Strategy for a New Era: Military Superiority, Agility, and Efficiency, November, Washington, DC, www.stimson.org.
31. Safarzadeh, Mahmoud and others. (2009). Marine Transportation, Second Edition, Tehran, Danesh Esar **[In Persian]**.
32. S. Gary, Colin. (2006). Strategic Structures Alireza Farshchi Translation, Sepah Command and Headquarters Press, First Edition **[In Persian]**.
33. Stacey, Ralph. (2001). Strategic Management, N.Y, McGraw Hill.
34. Qasemi, farhad and Salehi sayed javad .(2008).Theoretical Approach to the Persian Gulf and Its Issues, First Edition, Tehran, Center for Scientific Research in Middle East Strategic Studies **[In Persian]**.
35. Qasemi, Farhad. (2008). Principles of International RelationsTehran, First Edition, Publishing **[In Persian]**.
36. USA DOD. (2014). States Department of Defense T, FY 2015 Budget Request-Overview Book, www.defense.gov.
37. .USA. (2015) .Nation Security Strategy, Washington.
38. QDR Quadrennial Defense Review (2014) .States Department of Defense.
39. U.S. census Bureau. (2017). The Chinese-American Trade Balance, www.statista.com.
40. WTO) The World Trade Organization). (2016). International Trade Statistics 2016, www.wto.org/statisti